



گام‌های استوار

تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد
فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند.

امام خمینی (ره)

چرایی جهاد تبیین

اردویی با عنوان جهاد

مظلوم‌صفتان در عصر ارتباطات

فهرست

سیاست نامه

- ۱- ایران، منهای پهلوی
- ۲- چرایی جهاد تبیین

دانشجو نامه

- ۳- گزارش جلسه مدیریت جهادی در تشکیلات اردویی با عنوان جهاد
- ۴- خاطراتی از اردوی جهادی
- ۵- گزارش تصویری اردوی جهادی
- ۶- افتخار آفرینان ماه

طنز نامه

- ۴- مظلوم صفتان در عصر ارتباطات

معرفت نامه

- ۷- سبک زندگی گمشده

مهارت نامه

- ۷- تولید چند کلاف محتوا با کانونا
- ۸- دانستی های حقوقی

فرهنگ نامه

- ۸- معرفی کتاب

اقتصاد نامه

- ۹- مصاحبه کسب و کار

اسطوره های ماه

۱۰

مسابقه

۱۱



نشریه یاسی، فرهنگی، دانشجویی

«مصلحان»

بهمن ۱۴۰۰، شماره ۴۵

شناخته

صاحب امتیاز:

♦ بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز

مدیر مسئول:

♦ محمدامین علیدادی

سر دبیر:

♦ فاطمه شیر عسکری پور

ویراستار:

♦ فاطمه شیر عسکری پور

طراح جلد و صفحه آرا:

♦ فاطمه قراغانی

هیئت تحریریه:

♦ فاطمه آقایی

♦ محمدعلی علوی

♦ محمدامین علیدادی

♦ فاطمه شیر عسکری پور

♦ زهرا بشیری نژاد

♦ زهرا اسماعیلی فرد

♦ فرانک فرهی

♦ مریم ربی زاده

♦ محمدهادی مرادی

@basijshiraz



۰۹۰۲۰۴۶۵۱۰۱

basijshiraz313@gmail.com

ایران منه‌ای پهلوی

اوضاع ایران پیش از انقلاب اسلامی: ما را همچو ترساندند، همچو با تبلیغات خودشان ما را ترساندند که از خودمان می‌ترسیدیم، به خودمان اعتماد نداشتیم. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۷)

حاکمیت فرهنگ استعماری و ترویج از خودباختگی:

به فرموده‌ی امام خمینی (رحمت الله علیه) فرهنگ، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است و آن‌ها در استعماری کردن فرهنگ ما کوشش بسیاری انجام دادند. با از بین بردن اعتماد به نفس ملت، تلاش کردند ما را عقب‌مانده نگه دارند. به طور مثال اگر کسی بیمار می‌شد او را برای درمان به خارج می‌فرستادند. برای اداره نفت‌مان خارجی‌ها را می‌آوردند. در نهضت ملی شدن نفت، رزم آرا نخست وزیر ایران معتقد بود: «مردم حتی بلد نیستند یک آفتابه هم بسازند». بر سر عزت‌نفس مردم ما چنین بلایی آورده بودند.

فساد اخلاق و تخریب قوه تفکر:

مراکز فساد که در سرتاسر مملکت وجود داشت، به منظور مشغول کردن جوانان به یک سری امور شهوانی و از بین بردن افکار ظلم‌ستیز برنامه‌ریزی شده بود. آن‌ها می‌خواستند جلوی فکرها را بگیرند و جوانان را به خوش‌گذرانی‌های زودگذر سرگرم کنند. آن‌ها با اندیشه‌ها مبارزه می‌کردند و همه‌ی این‌ها از قبل، طراحی شده بود. حمایت شاه از رژیم غاصب اسرائیل:

نه تنها ملت ایران، بلکه هیچ مسلمان و انسان آزاده‌ای اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد. شاه، ایران را به بازار مصرف کالاهای اسرائیلی تبدیل کرده بود و در عین حال خود را دشمن اسرائیل معرفی می‌کرد؛ اما پشت پرده خلاف این را نشان می‌داد. شاه، اسرائیل را کشور دوست و برادر خود می‌دانست. بخشی که خواندید اندک شرحی بود بر ایران قبل از انقلاب، که مردم را مشتاق‌تر از همیشه به سرنگونی رژیم کرد. سرچشمه نهضت انقلاب اسلامی دو مورد بود؛ چپاول‌ها و فشارهای داخلی و خارجی، همچنین تشکیل حکومت اسلامی و از بین رفتن طاغوت. در طول دوران حکومت طاغوت

شاهد کشتارهای دست‌جمعی و غارت منابع کشور؛ چه از سوی داخل و چه از سوی خارج بودیم. آن‌ها در آرزوی یک حکومت اصیل اسلامی بودند.

اوضاع ایران پس از انقلاب اسلامی ایران: همه‌ی انقلاب‌هایی که در جهان رخ داده است دارای مولفه‌هایی هستند و هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند. انقلاب اسلامی که نقطه‌ی عطف و معجزه‌ای الهی در تاریخ ایران زمین بود، ویژگی‌هایی را داراست که در زیر به نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم.

استکبارستیزی: حمایت از مستضعفین و استکبارستیزی از آموزه‌های دینی ماست و انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدا حمایت از مستضعفین را سرلوحه‌ی خود قرار داد. تسخیر لانه جاسوسی توسط دانش‌جویان، مشارکت مردمی در صحنه‌های سیاسی و ملی، مقاومت در مقابل تحریم‌ها و... نمونه‌هایی از استکبارستیزی مردم مقاوم است.

معنویت: از ویژگی‌های اساسی انقلاب اسلامی نسبت به دیگر انقلاب‌های جهان، معنویت آن است. به واسطه‌ی این انقلاب، جوانان مومنی تربیت شدند و روحیه‌ی شهادت‌طلبی، اخلاص، ایثار و فداکاری، دل‌جویی، هم‌دردی، نوع‌دوستی و... در جوانان ما زنده شد.

مردمی بودن: در توضیح این ویژگی از انقلاب اسلامی، به بیان امام خمینی (رحمت الله علیه) در این‌باره اشاره می‌کنیم.

ایشان با توصیه به رعایت حقوق ملت و مردمی بودن مسئولین نظام،

همواره انذار می‌دهد

که خدا نکند

یوم الله دیگری پیش

بیاید که در آن روز

فاتحه همه خوانده

است. (صحیفه امام،

جلد ۱۴، صفحه ۳۸۰)

بنیان‌گذار انقلاب

اسلامی با هشدار

به مسئولین نظام و

تاکید بر ساده‌زیستی

آنان و توجه بیش‌تر

به قشر ضعیف، رضایت مردم را ضامن بقای جمهوری اسلامی می‌داند.

آزادی قلم: ثمره‌ی دیگر انقلاب اسلامی ایران، آزادی قلم بود. انقلاب ما برخلاف

ادعاهای غرب، با آزادی عقیده موافق

است، با آزادی قلم‌ها موافق است، البته نه

آن آزادی و توطئه‌ای که مدنظر آن‌هاست.

انقلاب اسلامی با ولنگاری، با توطئه

مخالفت می‌کند و جلوی آن‌ها را می‌گیرد.

امروزه در اروپا و آمریکا، کسی جرئت

ندارد در مورد هولوکاست حرف بزند ولی از

آن طرف به مقدسات اسلام توهین می‌شود

و با عوام‌فریبی و ادعای آزادی بیان،

توهین به مقدسات را توجیه می‌کنند.

جمهوری اسلامی به همه‌ی ادیان، احترام

می‌گذارد و در عوض با برگزاری کرسی‌های

آزاداندیشی، بزرگان ادیان مختلف را دور

هم جمع می‌کند و با هم به گفتگو می‌

نشینند و نظرات‌شان را در کمال آزادی

بیان می‌کنند. این همان انقلابی است که

مردم در آرزوی خون‌ها دادند.

منابع: صحیفه امام (ره)، آیین انقلاب

اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام

خمینی (ره)

گردآورنده: فاطمه آقایی (کارشناسی علوم قرآن و حدیث)



چرایی جهاد تبیین

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالَمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَعْنَةُ اللَّهِ»
 آن‌گاه که بدعت‌ها در امت من پدیدار شود بر انسان آگاه لازم است که علم خود را آشکار کند، پس اگر عالمی چنین نکند مشمول لعنت خداوند قرار می‌گیرد.
 (کلینی، کافی، جلد ۱، ص ۵۴)

جهاد تبیین ترکیب نوینی است که اخیراً مورد تأکید رهبر انقلاب قرار گرفته است. دلیل استفاده از این ادبیات بدیع، مشکلات و مسائل جدیدی است که جامعه امروزی با آن مواجه می‌باشد. در عصر ارتباطات و اطلاعات با پیشرفت پلتفرم‌ها و رسانه‌ها، توقع می‌رفت که حقایق بیش از پیش برای همه‌گان قابل درک باشد، اما اگر تأمل کنیم می‌بینیم که اوضاع کاملاً واژگونه است. این فراوانی رسانه‌ها و کانال‌های ارتباطی متنی و فرامتنی، رسالتی جز انحراف اذهان عمومی به نفع جریان صاحب رسانه ندارد.

برای فهمیدن بهتر این مسئله، کافی است که یک خبر؛ مثلاً سفر رییس جمهور به روسیه را از دو رسانه مخالف هم مثل BBC و فارس دنبال کنیم، آن وقت می‌بینیم که این تفاوت روایت‌هاست که نقش اصلی را در جنگ نرم امروز بازی می‌کند.

با این وجود توقع می‌رفت که انقلاب اسلامی ایران بتواند در طول این زمان جریان رسانه‌ای قدرتمندی برای جانداختن تفکر خود ایجاد کند و حداقل بتواند برای جامعه خودش نقش اقتناع‌کننده‌ای داشته باشد؛ اما اظهر من شمس است که چنین اتفاقی هرگز رخ نداد و بلکه برعکس گویی با افزایش پیشرفت، تکنولوژی‌های ارتباطی روز به روز بر انزوای فرهنگ ایرانی اسلامی افزوده شد. البته این ضعیف بودن بازوی رسانه‌ای انقلاب، ریشه در ایدئولوژی ایرانی اسلامی ندارد بلکه از فشل بودن فعالان فرهنگی و درج‌ازدن آن‌ها نشأت می‌گیرد. سطحی‌نگری‌های فرهنگی و عدم توجه به تربیت صحیح جامعه، چه در مدارس و چه در منازل، ریشه مسأله ماست. باید پرسید که حقیقتاً در مواجهه با ولن‌گاری‌های فرهنگی و اجتماعی در فضای مجازی و ایضا در فضای واقعی جامعه چه تدبیر مفیدی

اندیشیده شد؟

فردی که میزان مطالعه مفیدش به روزی پانزده دقیقه نمی‌رسد (از اینکه چه می‌خواند بگذریم) اما در عین حال روزانه ساعت‌ها به تماشای ابتذال‌ها و تبرج‌های فضای مجازی می‌نشیند، طبعاً از اندیشه، پوچ می‌شود و واداده فرهنگی بار می‌آید. این چنین است که نسل نو مذهبی تا قبل از سنین جوانی ظاهرالصلاح است و رفتارش مثبت جلوه می‌دهد اما وقتی به جوانی می‌رسد مانند فنر متراکم شده‌ای رها می‌شود و از آن طرف بوم می‌افتد.

باید بپرسیم که اصولاً جز برنامه‌های روزمره و روتین و تکراری و خسته‌کننده مذهبی و فرهنگی چه برنامه‌ی فکری برای نسل جدید ریخته شد؟ در قبال آن همه جذابیت و خودنمایی‌هایی که فرهنگ مهاجم دنیای مدرن و پسا مدرن برای جامعه‌ی امروز دارد چه آگاهی‌هایی به جامعه تزریق و جایگاه آموزه‌های قرآن به جزء کتب درسی کجاست؟

حال این گوی و این می‌دان!

کجا هستند آن‌هایی که یا لیتنا کنا معک می‌خوانند!!؟ اکنون امامتان تنه‌است و فریاد این عمار می‌زند! بیایید این عقب ماندگی‌های فکری و فرهنگی جامعه را جبران کنیم! حال فرهنگ و مذهب در جامعه امروز شبیه به حال محتضری است که همه در حال تماشا کردن جان دادن آن هستند؛ بیایید به جای رو به قبله کردن آن، به فکر دواى دردش باشیم. این عرصه نیاز به مجاهدت‌ها دارد، باید حقایق را فریاد زد و خدعه‌ها را آشکار کرد، باید معارف والای اسلامی را به جامعه تزریق کرد و حلاوت عمل به آن را به جامعه چشانید، غربت خانواده شهدای مدافع حرم را ببینید، صف‌های نماز

جمعه خالی از جوانان را ببینید، وضع حجاب را ببینید، مشکلات زیاد است و جا برای کار کردن و تبیین هم زیاد اما گویا جامعه امروز در برابر مسائل و مشکلات فرهنگی مسخ شده است. در چنین شرایطی باید جهاد کرد و از بذل آبرو و آرزو در این راه دریغ نکرد.

نویسنده: محمدعلی علوی (کارشناسی علوم قرآن و حدیث)



گزارش جلسه مدیریت جهادی در تشکیلات

در ۱۰م بهمن ماه ۱۴۰۰، جلسه‌ای با موضوع مدیریت جهادی در تشکیلات، به میزبانی بسیج دانشجویی دانشکده علوم و معارف قرآن کریم شیراز و با دعوت از سرهنگ علی پور (معاون هماهنگ‌کننده سپاه فجر استان فارس) به عنوان سخنران و حضور آقای سعید یوسفی (مسئول ناحیه بسیج دانشجویی استان فارس)، خانم دکتر روستایی (ریاست محترم دانشکده علوم و معارف قرآن کریم شیراز) و سایر معاونت‌ها، برگزار شد. این جلسه در واقع بدرقه دانشجویان بسیجی جهادگری بود که عازم اردوی جهادی به روستای طغر، واقع در شهرستان خفر بودند. در این جلسه بعد از صحبت‌های سرهنگ علی پور و سرکار خانم روستایی، نماینده بسیج دانشجویی دانشکده علوم و معارف قرآن کریم شیراز شروع به صحبت کردند. خلاصه عرایض بعد از مقدمه، بدین شرح است:

بگذارید این جلسه را از حالت تشریفاتی خارج کنیم و این خوش‌وبش‌های همیشگی و فانتزی را کنار بگذاریم؛ حرف‌های نو و کم‌تر گفته شده را بزنیم و از تعارفات عبور کنیم. روی صحبت بنده با دانشگاه هست نه دانشکده. خدایوشکر می‌کنیم که شخصی مثل خانم روستایی ریاست این دانشکده رو برعهده دارند. لکن به نظر می‌آید مسئولینی که امروز سکان‌دار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم هستند چندان متوجه جایگاه خود نیستند.

یکی از مواردی که سبب اعجاب ما شده این است که اشخاص خارج از دانشگاه، خیلی از وضعیت درونی دانشگاه با خبر نیستند و گمان می‌کنند این‌جا گل و بلبل است؛ البته طبیعی است. مدتی پیش که مصاحبه‌ای از معاونت‌های محترم را با یک خبرنگاری می‌خواندم، احساس کردم یا من در این دانشگاه نیستم یا این دانشگاه، دانشگاه دیگری است که ایشان توصیف می‌کنند. تمام کار دانشگاه محدود به پوسترسازی و گزارش‌سازی است. برای آن‌ها مهم این است که صرفاً پوستری طراحی شده و به عنوان گزارش ارسال کنند و بگویند که ببینید ما این‌قدر کار کردیم و... این مایه تأسف است. یک کار با محتوا انجام نمی‌شود. وقتی انسان کانال‌های خبری دانشگاه را چک می‌کند حالش به هم می‌خورد و متعجب می‌شود که چه‌طور می‌توانند این کارهای سطحی را منتشر کنند. انسان خنده‌اش می‌گیرد.

متأسفانه وضعیت فرهنگی دانشگاه اقتضاح است. از نوع عملکرد و نوع گفتار برخی مسئولان چنین به‌نظر می‌رسد که گویا حضرات آیات، کار فرهنگی را درست درک نکرده‌اند. در نظر دوستان، کار فرهنگی یعنی این که محفل قرآنی برپا شود یا دعایی خوانده

شود یا مراسمی به معنای حداقلی برگزار شود؛ این یعنی برداشت سطحی و بچه‌گانه از دین. کار فرهنگی هدف نیست، وسیله است؛ وسیله ای برای رسیدن به اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و...

حضرات، تمایل دارند که دانش‌جو حرف نزند، مطالبه نکند، انتقاد نکند و فقط کار فرهنگی کند. خب بزرگواران شما معنای حقیقی فرهنگ و هنر را درک نکردید یا این‌طور وانمود می‌کنید که درک نمی‌کنید.

الحمدالله یک زمانی، طلبه‌ای آمد و انقلابی راه انداخت و فرهنگ و هنر را معنا کرد. انسان



وقتی هنر را و فرهنگ را در اندیشه امام بررسی می‌کند، مو به تنش سیخ می‌شود. فرهنگ و هنر مقبول ایشان، باید نابودکننده اسلام آمریکایی باشد و سیقل‌دهنده اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم).

فرهنگ در خدمت سیاست اسلامی است. مایه ذلت است که ما کار فرهنگی را صرفاً قرآن خواندن معنا کنیم. قرآن خواندن ما هم باید سیاسی باشد.

وقتی می‌گویند روضه و هیئت، بهترین وسیله تربیتی انسان است به خاطر صرف سینه‌زدن و گریه‌کردن نیست. این را که منافقان و متحجران و فرقه‌های انحرافی، بهتر از ما انجام می‌دهند.

گریه شما در هیئت، گریه بر مظلوم است و گریه بر مظلوم در شما خشم ایجاد می‌کند. چه خشمی؟ خشم علیه ظالم. این هیئتی است که مقبول اسلام است. چرا دین را سکولار جلوه می‌دهید؟

امام «رحمت الله علیه» در تمام دوران حیات خود، نه از مستکبران عالم، خون دل خورد و نه از استعمارگران. تنها گروهی که سبب شد امام «رحمت الله علیه» از درون آه بکشد و خون دل بخورد، همین متحجرین بودند. افرادی که دین را از درون مانند موریانه می‌خورند. چه‌قدر حضرت امام «رحمت الله علیه» از دست این عمامه‌به‌سرهای متحجر ناله زد.

و اما در بحث فعالیت‌های جهادی؛ امروز ما دانشجویان این دانشگاه، اگر بخواهیم کار جهادی کنیم، باید بارها جهاد کنیم. راهی را که سایرین می‌دوند یا راه می‌روند، ما سینه‌خیز می‌رویم. البته این سختی‌ها برای ما شیرین است لکن دقیقاً این وسط، بودن دانشگاه چه تأثیری دارد؟

امروز دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم از درون استحاله شده است. آقایان خوب بلدند ظاهر را حفظ کنند، وضعیت را در گزارشات شان و مصاحبه‌های‌شان خوب جلوه می‌دهند، در کارهای نمادین به مرتبه استادی رسیده‌اند اما باطن را دیگر نمی‌توانند کاری کنند.

به‌نظر می‌آید حال قرآن هم در این دانشگاه مزین شده به نام قرآن، خوب نیست.

چه‌قدر این دانشگاه و سازمان اوقاف داستان دارد. و چه‌قدر خوش‌حال‌اند در این وضعیت کرونا، که خوب بهانه‌ای شد برای استراحت شان.

حرف بسیار است...

اردوی با عنوان جهاد

بسم رب الجهاد

خاکریز اول:

شناسایی منطقه‌ی عملیات...

حضور مستقیم مسئول گروه و چندی از نیروها در محل و بررسی کم و کیف منطقه‌ی هدف.

از محل اسکان و فعالیت تا شناسایی روستا و نوع محرومیت.

خاکریز دوم:

تا یار که را خواهد و میلش به که باشد...

یکی پیش‌تاز در نام‌نویسی می‌شود و شب سفر، دست تقدیر جایش می‌گذارد.

دیگری درگیر دوراهی رفتن یا نرفتن است و سرانجام نامش در قافله نوشته می‌شود.

آن یکی مانده است بین دلش که در منطقه است و کارت عبورش که منوط به اجازه‌ی پدر است.

و آن کسی که روز اردو خودش را می‌رساند.

خاکریز سوم:

نگویم از پاتک‌ها و عملیات‌های فریب پیش از اردو...!

و چه بگویم از انتحاری‌های حین اردو!؟

از این که فرصت‌ها کم هستند و زرنگ‌ترین شخص کسی است که در این فرصت کم بیش‌ترین بهره‌ها را برای خودش و دیگران بردارد.

راحت بگویم:

سفره‌های پر برکت جهادی همیشه پهن نیستند و درست در زمانی مشخص، پهن و جمع می‌شوند.

جهاد...

حرف‌ها در این کلمه نهفته است و زبان و قلم از بیانش عاجز. دیدنی است تا گفتنی، چشیدنی است تا نوشتنی.

خاکریز پنجم:

وقتی اهل جهاد باشی و عاشق مردم.. از دورترین فاصله نیز خودت را به قافله عشق می‌رسانی تا تو نیز در این نبرد عاشقانه سهیم شوی..

خواهران و برادران و دانشجویی هم کنار ما بودند که از استان‌های هم‌جوار آمده بودند.

در طریق جهاد تا پای نگذاری مفهوم عشق به خدمت معنا ندارد.

محروم، مردمان دور افتاده نیستند، بلکه کسانی هستند که از این عشق به خدمت محروم‌اند.

به راستی که:

در این راه اگر جان هم بدهی، شهید و شهیده خواهی بود حتی اگر کلمه شهید پیش از نامت حک نشود.

فرقی نمی‌کند با چه تیپ و قیافه‌ای باشی در این‌جا عیار اصلی دل است.

کلام آخر:

دلت را خدایی کن و به قافله جهاد ملحق شو رفیق.

ما منتظرت هستیم...

امان از امتحان پایان‌ترمی که بی‌هوا، درست وسط اردو فرود آمد و ما هم در وفور آنتن‌دهی و قلب اینترنت پر سرعت، خوش‌حالی بود که از سر و صورت‌مان می‌بارید.

خاکریز چهارم:

از تلفن‌های روشنی، که خاموشی‌شان به برویم سروقت خواهران و برادرانی که زندگی‌شان تقسیم می‌شود به، پیش از اردو و پس از اردو.

من نمی‌گویم خودشان اقرار کردند.

برادرانی که یک پا استاد بنا و نقاش بازگشتند و خواهرانی که تا کد بانو شدن، فقط چند قدم دیگر فاصله دارند.

(به قول خانم کاف: آدم بودیم؛ خانم برگشتیم)

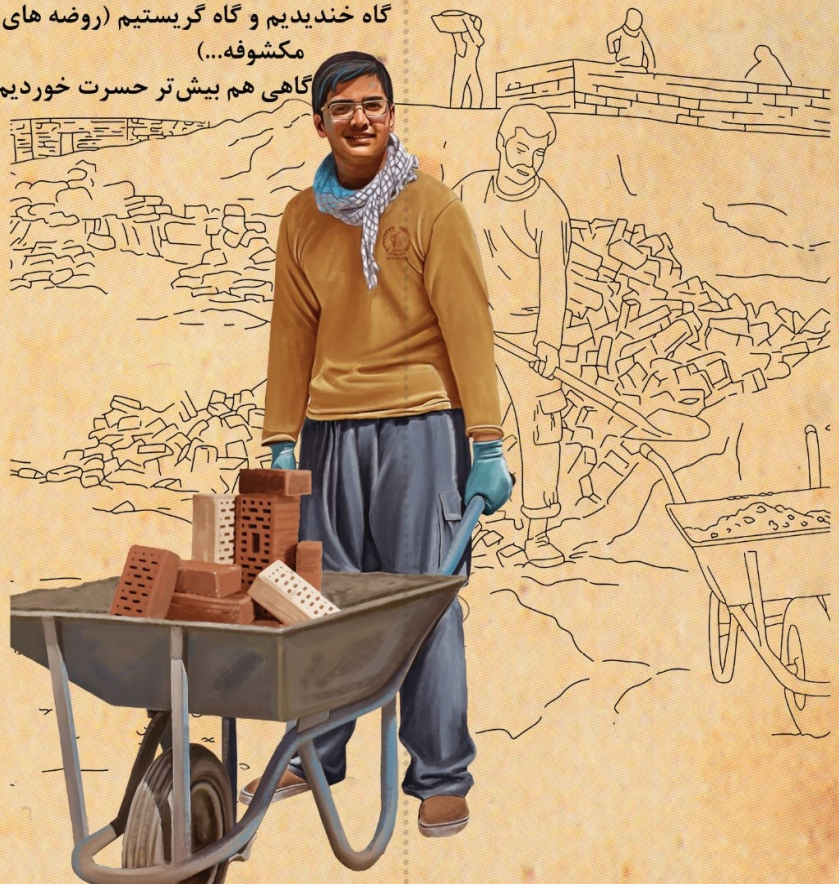
ساعت‌هایی که در کنار استاد (نون عین) چه در جلسات عمومی و چه در جلسات خصوصی درس‌ها آموختیم و تلنگرها خوردیم و لذت بردیم.

روایت‌گری‌ها و درس‌های استاد از کم نظیرترین ساعات اردوی جهادی ما بود.

باشد که عامل باشیم.

گاه خندیدیم و گاه گریستیم (روضه‌های مکشوفه...)

گاهی هم بیش‌تر حسرت خوردیم.



خاطراتی از اردوی جهادی

۴ روز اول رفتیم سر کلاس سوم و خودم رو معرفی کردم. از بچه‌ها هم خواستم که خودشون رو معرفی کنن. نفر اول گفت: مریم بهمنی دومی گفت: ستایش بهمنی با خودم گفتم حتما خواهرن، بعد نوبت پسرا شد.

اولی گفت: علی بهمنی دومی گفت: رحمان بهمنی سومی گفت: عارف بهمنی یه لحظه گفتم شاید منو سرکار گذاشتن، از نفر آخر پرسیدم اسمت چیه؟ گفت: فائزه لنگرانی گفتم خدا رو شکر یکی‌شون بهمنی نیست، پس فامیلی‌هاشون درسته. سرم رو که برگردوندم دیدم همه دارن یواشکی می‌خندن. گفتم: چرا می‌خندین؟ یکی از بچه‌ها گفت: خانم اجازه دروغ می‌گه فامیلیش لنگرانی نیست. گفتم: پس فامیلیش چیه؟ گفت: بهمنی اون‌جا بود که فهمیدم همشون بهمنی هستن.

این مداحی‌ها رو برای ما بفرستی؟ آخه ما توی گوشه‌مون از اینا نداریم. منم براشون فرستادم. فرداش دیدم یکی از دخترها آهنگ زنگ گوشیش رو همون مداحی‌ها گذاشته بود. اون لحظه خیلی حس خوبی داشتم.

۳ سر کلاس بچه‌های ششم که بودم، همه دختر بودن و فقط یه پسر به اسم محمدعلی بود، که قرار شد از فرداش دیگه نیاد و بره سر کلاس برادرا. رفتیم سر کلاس، زنگ دوم با دخترا کلاس قرآن داشتیم. دیدم محمدعلی هم نشسته و از من اجازه می‌خواد تا سر کلاس باشه. دلش رو از من پرسیدم و گفت: من دوست ندارم برم پیش برادرا، شماها خیلی بهترین. گفتم آقا محمدعلی چرا دوست نداری اون‌جا باشی؟ گفت: خانم اجازه برادرا خیلی حرف می‌زنن. گفتم: مگه چی می‌گن؟ گفت: خانم دیروز یه آقایایی اومد برامون نماز رو کامل توضیح داد بعد همین زنگ پیش هم دوباره اومدن برامون نماز توضیح دادن، فکر کنم فردا هم قراره بهمون نماز یاد بدن. به لهجه شیرین خودشون گفت: به خدا نماز رو یاد گرفتیم.

۱ اولین روزی که رفتیم سر کلاس متوجه شدم یکی از دخترها مدام سر تا پای منو نگاه می‌کنه. از من پرسیدم چیزی شده؟ گفت: «خانم منم می‌تونم مثل شما چادر بپوشم؟». گفتم: «چرا که نه».

عصر که بچه‌ها وارد مدرسه شدن، دیدم با چادر اومده و چه قدر ذوق می‌کرد و چادرش رو دوست داشت. تا آخرین روزی که اون‌جا بودیم دائما در مورد چادر از من سوال می‌کرد و حتی حاضر نبود سر کلاس هم چادرش رو بذاره کنار. این اتفاق خیلی برای من شیرین و دل‌چسب بود.

۲ من همیشه در حین کار برای دخترا مداحی می‌داشتم و اون‌ها هم خیلی استقبال می‌کردن. می‌پرسیدن: خاله این مداحی رو کی خونده؟ می‌گفتم: ایشون خوندن و این مداحی در وصف حضرت زهرا (سلام الله علیها) یا این مداحی در وصف امام حسین (علیه السلام) هست. اگه عبارتی رو نمی‌فهمیدن، درموردش از من سوال می‌کردن و براشون توضیح می‌دادم و خب بعد ازشون سوال هم می‌کردم. آخرای کلاس بود که بچه‌ها گفتن: خاله می‌شه

گزارش تصویری اردوی جهادی



مظلوم‌صفتان در عصر ارتباطات

روزگار، دگر عضوها را بی خیال، می‌ماند
قرار. غافل از این که ما عهد کرده‌ایم که
بر سنت حسنه‌ی خود باقی بمانیم و
دانش‌جونما نباشیم.

نویسنده: فاطمه شیرعسکرپور (کارشناسی علوم قرآن و حدیث)



شاگردی در محضر چنین استادی را
نداشته و خدا را از این بابت هزاران بار
که نه بلکه به تعداد امیکرون‌های
پرسرت شکر گزارم.

چه زمان‌هایی که از پشت سیستم
هایمان صدای دعوی همسایه‌ی
استادمان را می‌شنیدیم و از بی‌ادبان
ادب می‌آموختیم، بنده خدا استادمان
چه قرمزها که نمی‌شد

و چه دانش‌جویان وفاداری بودیم،
وفادار به عهدی که با ترم بستیم تا
لحظه‌ای دست از آموختن علم برنداریم
و در همه جا استاد و کلاس را با خود هم
قدم کردیم، وفادار تو خواهیم بود در هر
لحظه در هر جا حتی میان انجمن.

اما دیری نپایید که به دنبال شروع
جنگ در دانشگاه‌ها به فرماندهی مرکز
آموزش، افرادی را از برای پاسخ‌گویی
به طایفه‌ی کثیرالمنتقمین دانش‌جو،
فراخواندند تا جویای درخواست‌های
دانش‌جو شوند، اما دریغ...

آن‌ها دائما اصرار ورزیده و هی بر زبان
خود جاری می‌کردند این جمله را: ای
دانشجو از ما تمنایی کن. اما کو جواب؟
چه انتظاری که نکشیدیم و چه دندان
ها که بر جگر از هم گسیخته‌ی خود
نداشتیم. گویا اعتقاد راسخ بر این
جمله داشتند: چو عضوی به درد آورد

۴ ترم گذشت، ۲ سالی که اجدادمان
حتی اگر خیلی خیال‌پرداز بودند به
عقلشان خطور که نه حتی رجوع
کوتاهی هم نمی‌کرد که این چنین زیر
پتو روان و چشم‌ها از حدقه‌گریزان و
گوشی به دست، تن عالمان را در گور
بلرزانیم و به معنای واقعی کلمه با
چشمانی بسته اما آکنده از بصیرت
گوش جان بسپاریم به قواعد گهربار
رشید شرتونی؛ این استادی که در شب
های امتحان فیض‌های بسیاری را از
جمع کثیرالمنتقمین دانش‌جو برده
است.

بماند که ضعف اینترنت دمار از روزگار
دانش‌جو جماعت درآورده، از این دنیا
ناامید گشته و رد اینترنت پرسرت را
در بهشت برین یافته است. بماند که
چهره‌ی فداکار و زجرکشیده‌ی دانش
جو در اذهان عمومی خراب گشته و ما
را جزء راحت‌طلبان و سربازان کارزار
تقلب نخوانند، بگذریم که کلاس‌های
آنلاین لذت چشیدن طعم لغو کلاس را
از ما ستانده و حسرت را بر دل‌مان
کاشته است.

از چه بگویم از استادانی که ۸ صبح،
ساعت کوک می‌کنند و با ۱ دقیقه تاخیر
مهر غیبت بر پیشانی دانش‌جو می‌زنند
ولی بینی و بین الله بنده تاکنون افتخار

افتخار آفرینان ماه

سرکار خانم فاطمه والی‌زاده ✓
(دانش‌جوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم قرآنی شیراز)
شایسته تقدیر در رشته داستان؛ مسابقات فجر انقلاب

سرکار خانم مریم رضوانی‌زاده ✓
(دانش‌جوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم قرآنی شیراز)
کسب مقام دوم رشته کلیپ؛ مسابقات فجر انقلاب



سبک زندگی گمشده

آسیاب گندم‌ها که تمام شد، به کمکش عدس‌ها را پاک کردم که صدای پیامبر در سرم پیچید: «هر مردی با خوش‌رویی به همسرش کمک کند، خدا اسمش را جزء شهدا می‌نویسد. برای هر قدمی که مرد برای کمک به همسرش در خانه برمی‌دارد، خداوند به او ثواب یک حج و عمره را می‌دهد». علی! کمک کردن مرد به همسرش ثواب هزار سال عبادت را دارد. کفاره‌ی گناهان بزرگ می‌شود و خشم خدا را خاموش می‌کند.

(بخشی از کتاب حیدر) و این‌گونه است که خانه می‌شود محل عبادت. دریغ از آن که بسیاری از مردم عبادت را در جای دیگر جست و جو می‌کنند. اگر از من بپرسید، می‌گویم عبادت از خانه‌ی خود آدم شروع می‌شود. فکر می‌کنید چرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این همه حضرت علی (علیه السلام) را تشویق به کمک کردن در خانه می‌کند؟ برای هر قدم، ثواب یک حج و عمره، چه خبراست؟! مگر چه چیزی در این کمک کردن وجود دارد؟ مردان امروزی خوب است بدانند؛ علی هم فاتح خیبر بود و هم یاری‌گر همسر در خانه.

چرا فرهنگ مذهبی و ایرانی غنی خودمان را گذاشته‌ایم یک گوشه و فرهنگ غرب را الگوی خود در روابطمان قرار دادیم؟! چرا روزی به نام ولنتاین را، بدون آن که از پشت پرده‌ی آن اطلاعی داشته باشیم، جشن می‌گیریم؟ چه ساده عبور می‌کنیم از عشق پاک‌ی که بین حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) وجود داشت. عشق، نزد آنان است که مقام والایی پیدا می‌کند، برخالف فرهنگ غرب که عشق را محصور به بعد جسمانی می‌داند و آن را تنزل بخشیده و حقیر کرده است.

کسی که همسرش را این‌گونه توصیف می‌کند: «زهرای بهترین یاور برای اطاعت از خداوند است، ایشان آن قدر عبادت می‌کردند و به نماز می‌ایستادند که پاهای مبارکشان ورم می‌کرد». مولایمان همسرش را این‌گونه خطاب می‌کرد: «بنفسی انت» و محبوبش این‌گونه او را پاسخ می‌گفت: «روحی لروحک فداه». گاهی هم این‌گونه خطاب می‌کردند: «ای تمام آرزوی من!». تعابیری این چنین عمق رابطه‌ی عاطفی بین این دو بزرگوار را نشان می‌دهد؛ عشقی که سردی و خاموشی را به خود ندید، حتی پس از جدایی. آری این خیبرشکن، گاهی در دل شب به بقیع می‌رفت و از دور به محبوبش سلام می‌کرد و در فراق او می‌فرمود: «ما مثل یک جفت کبوتر بودیم از نمی‌توانستیم از یک‌دیگر جدا شویم، دیگر روزگار میان ما جدایی انداخت.» عشق و علاقه آن قدر بین این دو موج می‌زند

که در لحظات آخر حضرت مادر گریه می‌کردند و مولایمان دلیل را جویا می‌شوند، حضرت می‌فرمایند: «علی جان! گریه برای خودم نیست، برای غربت و مظلومیت تو، بعد از خودم گریه می‌کنم!». حتی در ثانیه‌های آخر زندگی‌اش هم به فکر غربت علی است.

حال در جامعه‌ی امروزی به جای آن که چنین عشقی را الگو و شیوه‌ی زندگی خود قرار دهیم، بنا و اساس رفتار خود نسبت به همسر را غرب و تمدنی قرار داده‌ایم که خودشان نسبت به آن گریزان‌اند؛ اما عجیب که ما پیروان آن‌ها شده‌ایم.

حضرت علی با همسرشان مثل یک گل برخورد می‌کردند و خدای نکرده اجبار و زور در زندگی ایشان جایگاهی نداشت. عاطفه نیاز یک خانواده است، نباید بی‌تفاوت از کنار آن عبور کنیم.

از ساده زیستی این دو بزرگوار زیاد شنیده‌ایم، آن‌ها زندگی ساده و به دور از تجملات؛ اما عاشقانه‌ای داشتند. چه‌گونه وقتی می‌دانیم ریخت و پاش‌ها اثری در روابطمان ندارد اما باز هم به آن‌ها پایبندیم؟! بارها ماجرای بخشیدن پیراهن حضرت زهرا

(سلام الله علیها)، در شب عروسی‌شان را شنیده‌ایم و عجیب آن که برای لباسی که فقط چند ساعت به تن داریم، خود را به آب و آتش می‌زنیم، مبدا چیزی از مهر و دوختن ناقص باشد.

تا الگوی ما فاطمی نباشد نمی‌توانیم روی این رسومات غلط خط بکشیم. سعی‌مان بر این باشد تا آزدواج را دست‌یافتنی‌تر کنیم.

امید این که با برداشتن موانع از سر راه جوانان، برکاتی از زندگی این بزرگواران به زندگی‌ها سرازیر شود.

نویسنده: زهرا بشیری‌نژاد (کارشناسی علوم قرآن و حدیث)



معرفی نرم‌افزار

مهارت‌نامه

تولید چند کلاف محتوا با کانوا

اگر دنبال یادگیری و انجام کارهای گرافیکی هستی و دسترسی به لپ‌تاپ و سیستم نداری، نرم‌افزار کانوا (canva) رو بهت پیشنهاد می‌کنم.

برای شروع کار با این نرم‌افزار شما تنها به یک گوشی اندروید نیاز دارید، نکته قابل توجه اینه که سایت هم داره و با سیستم هم می‌شه باهاش کار کرد.

این نرم‌افزار، آپار فرانسه‌ای محسوب می‌شه که نه تنها کارهای گرافیکی بلکه از موشن استوری گرفته تا فهرست غذایی و اسلاید و پاورپوینت، بروشور و رزومه و... رو می‌شه باهاش آماده کرد.

پس آشنایی و یادگیری این نرم‌افزار خالی از لطف نیست، چرا که شما رو از هر نظری در عرصه‌ی تولید محتوا مجهز می‌کنه.

امیدوارم اشاره‌ی کوتاه و مختصر من از معرفی این نرم‌افزار برای شما مفید باشه.

پیشنهاد شما برای به‌روز باش بعدی نشریه چیه؟!

نویسنده: زهرا اسماعیلی فرد (کارشناسی علوم قرآن و حدیث)



معرفی کتاب

سلام

ایستگاه معرفی کتاب این ماه می پردازد به کتاب "سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می آید" قطعاً اولین گام برای بررسی و کاوش یک انقلاب مردمی، شناخت شخصیت و ابعاد وجودی رهبر آن انقلاب است. بیش از این‌ها باید به شخصیت و افکار امام خمینی (رحمت الله علیه) پرداخت.

معرفی چنین شخصیتی، قلمی نافذ و دل‌نشین را می‌طلبد؛ نادر ابراهیمی نویسنده‌ی خوش‌ذوق کشورمان، این کتاب را بین سال‌های ۷۵ تا ۷۷ در دو جلد نگاشته است.

جلد اول داستانی است از دوران کودکی، شکل‌گیری شخصیت رهبر انقلاب، مرام و منش پدر بزرگوارشان و...

جلد دوم ادامه‌ی داستان را از دوران جوانی و آغاز مبارزات امام خمینی (رحمت الله علیه) بازگو می‌کند. بی‌شک خواندن روایت‌هایی از مردان بزرگ تاریخ، پرورش‌دهنده‌ی افکار و سرشار از آموزه‌هایی است که هم در انتخاب مسیر درست یاری‌گر ماست و هم از موانع مسیر می‌کاهد.

خواندن این کتاب برای عموم آزاد نه، واجب است.

● نویسنده: فاطمه شیرعسکریپور (کارشناسی علوم قرآن و حدیث)

نویسنده: نادر ابراهیمی



سه دیدار



■ جرایم رایانه‌ای

جرایم رایانه‌ای در فضای مجازی ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد مانند کلاه‌برداری‌های اینترنتی، جعل داده‌ها و عناوین، تجاوز به حریم خصوصی اشخاص و گروه‌ها، سرقت اطلاعات، هک و نفوذ به سامانه‌های اینترنتی، هرزه‌نگاری و جرایم اخلاقی و برخی جرایم سازمان‌یافته‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

ایجاد مرجع قانونی متخصص برای مقابله با این گونه جرایم و هم‌چنین ایجاد بستری که به سرعت از آن‌ها پیش‌گیری کند، لازم است چرا که این فضا از فضای جامعه بزرگ‌تر و ایجاد فرهنگ سازی برای استفاده از این فناوری به شدت ضرورت دارد.

از نظر قانونی جرایم فضای مجازی و رایانه‌ای به ۳ گروه دسته‌بندی می‌شود:

فضای سنتی شامل کلاه‌برداری، جعل، افترا، نشر اکاذیب، هتک حرمت، انتشار پیام‌های خلاف قانون.

جرایم فضای مجازی سایبری شامل شنود غیرمجاز، تخریب داده‌ها علیه عفت عمومی.

جرم به وسیله‌ی رایانه، بدون توجه به اینترنت مانند جعل اسناد و... که با در نظر گرفتن ماده ۱۶ قانون جرایم رایانه‌ای، می‌توان توهین در فضای مجازی را دارای مجازات دانست.

ماده ۱۶ قانون جرایم رایانه‌ای مقرر کرده است: «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از ۵ میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

لازم است که از حقوق خود مطلع باشیم.

نویسنده: فرانک فرهی (کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی)



مصاحبه کسب و کار

**مصاحبه با بانوی دانش‌جوی کارآفرین؛
سفر برتر طرح کمند**

مضماری: خودتون رو معرفی کنید؟
الیه کارگران هستم دانش‌جوی ترم ۴
روان‌شناسی
**مضماری: از چه سالی کارتون رو شروع
کردید؟**
سال ۱۳۹۷

مضماری: سرمایه‌ی اولیه شما چه قدر بوده؟
بنده کارم رو با ۲۰۰ هزار تومان و خرید یک
کندوی زنبورعسل شروع کردم و در حال
حاضر ۳۵ کندو دارم.

**مضماری: سختی‌ها و چالش‌های زنبور
داری چیه؟**

خب هر شغلی سختی‌های خودش رو داره،
زنبورداری هم از این قاعده مستثنی
نیست، از جمله سختی‌های این کار به جابه
جایی کندوها در فصول مختلف مربوط می
شه. محافظت از کندوها در برابر سرما یا
گرمای شدید، سختی‌های مربوط به عسل
گیری و محافظت از زنبورها در برابر
پرندهگان زنبورخوار و...

**مضماری: در کنار سختی‌ها، مزایای
زنبورداری رو هم بفرمایید؟**

خوبی‌هاش خیلی بیش‌تر از سختی‌هاشه.
اگه زنبورداری به صورت اصولی صورت
بگیره منبع درآمد خیلی خوبی محسوب
می‌شه. زندگی زنبورها بسیار جالب و
دوست‌داشتنی و وقتی فرد خودش رو با
زنبورها سرگرم می‌کنه، تمام چالش‌ها و
دغدغه‌ها رو از یاد می‌بره. نکته‌ی بعدی
این‌که برای راه‌اندازی این شغل نیاز به
تهیه‌ی مکان یا زمین خاصی نیست و می
شه در حیاط منزل هم کار رو شروع کرد،
کاری که خود بنده انجام دادم.

**مضماری: درآمدتون چقدر هست؟ راضی
هستید؟**

در زنبورداری اگه شرایط مساعد باشه
سالانه در حدود ۲۸۰ میلیون تومن درآمد
ناخالص و در حدود ۲۰۰ میلیون تومن
درآمد خالص وجود داره.

مضماری: اهدافتون برای آینده چیه؟
ان‌شاءالله تا اون‌جایی که بتونم سعی می
کنم ادامه بدم و هدف اصلی من در این
زمینه، تهیه‌ی زهر زنبور هست که
متاسفانه هنوز موفق به انجام اون نشدم.
**مضماری: آیا فعالیت یا سرگرمی خارج از
این کار دارید؟**

بله بنده در فروشگاه فعالیت می‌کنم.
**مضماری: شما الگوی خاصی در زندگی و
کارتون مدنظر داشتید؟**

در زمینه‌ی این شغل، الگوی من خواهر
عزیزم هستن که زنبوردار برتر شهرستان
و بانوی کارآفرین نمونه شدن.

**مضماری: چه چیزی در درون شما این
جسارت رو بهتون داد که به‌عنوان یک
خانم چنین کار سخت و دور از ذهنی رو
انتخاب کنید؟**

من کلا فرد ریسک‌پذیر و جسوری هستم
و یک‌نواختی و بی‌کاری رو دوست ندارم. به
نظرم انسان تا زنده هست باید پویا و فعال
باشه.

**مضماری: مطالعات شما تا چه اندازه در
جایگاه امروزتون تاثیرگذار بوده؟**

مسئله تاثیرگذار بوده، بنده بسیار اهل
مطالعه هستم و علاوه بر اون، کلاس‌های
مربوط به زنبورداری رو پشت سر گذاشتم
و مدرکم رو از سازمان فنی و حرفه‌ای
شهرستان گرفتم. یعنی بدون فکر و آگاهی
دست به فعالیت نزد. بعد از شروع کار هم
سعی کردم مطالعاتم رو گسترش بدم و در
دوره‌های کارآفرینی بنیاد نخبگان استان
فارس شرکت کردم و در طرح کمند که
مربوط به کار آفرینی دختران دانش‌جو
بود، به‌عنوان سفیر شرکت و عنوان سفیر
برتر استان فارس رو از خانم ابتکار دریافت
کردم.

**مضماری: صبر و شکیبایی تا چه اندازه به
شما کمک کرده؟**

بسیار زیاد؛ مخصوصا در چند سال اخیر، با
وجود گرونی و بعضا در دسترس نبودن
شکر، خشک‌سالی، سرمای شدید و... که
باعث از بین رفتن تعداد زیادی از کندوها

شد، خیلی‌ها این شغل رو رها کردند اما من
ادامه دادم.

**مضماری: نقش خانواده و اطرافیان در کنار
شما تا چه اندازه کمک‌کننده بوده؟**
خانواده نقش مشوق و حامی اصلی بنده رو
دارند. در زمینه نگاه‌داری و جابه‌جایی
کندوها اگر خانواده همراه بنده نباشند این
کار بسیار سخت‌تر خواهد بود.

**مضماری: اگه به عقب برگردید باز هم
همین راه و مسیر رو انتخاب می‌کنید؟
اگه جوابتون بله هست چه کارهایی رو
نمی‌کردید یا چه کارهایی رو انجام می
دادید؟**

حتما؛ چون بنده واقعا از روی علاقه وارد
این کار شدم و هدف اصلی من کسب
درآمد نبود. شاید اگر برمی‌گشتم و توانی
داشتم تعداد بیش‌تری کندو خریداری می
کردم اما سعی می‌کردم بچه کندوی
کمتری بگیرم.

**مضماری: توصیه شما به جوانان و کسانی
که تصمیم دارند مسیر کارآفرینی رو
شروع کنند، چیه؟**

من به همه‌ی جوانان عزیز؛ مخصوصا
دختران قوی سرزمینم توصیه می‌کنم که
اگر طرح یا ایده‌ی کارآفرینی در ذهن
دارند حتما تلاش کنند تا به هدف‌شون
برسند؛ حتی اگر در ابتدا به نظرشون
خیلی سخت بیاد و یا دیگران مسخره
کنند.

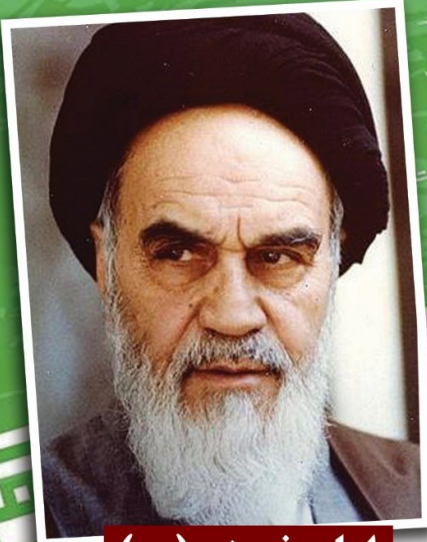
نویسنده: مریم ربی‌زاده (کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی)



اسطوره‌های ماه



شهید حسن باقری



امام خمینی (ره)



شهید سید کمال فاضل دهکردی



شهید عماد مغنیه



شهید علی قوچانی



شهدای حماسه مردم آمل ۶ بهمن ۱۳۶۰

تصاویر شهدای گرانقدر قیام خونین ۲۹ بهمن تبریز

شهید محرم جبرائیلی	شهید سید حسن جدیری	شهید پرویز احسن زاده	شهید بهمن ارده چی	شهید نفی زاده شترنازی	شهید حسین حبیبی	شهید ضربدلی فتح
شهید جعفر درگاهی	شهید علیرضا شیخ احمدلو	شهید قربانعلی شاکری	شهید کناورزی	شهید بالا آنا	شهید سید فیض صالح الوندی	شهید غلامعزیز نجفیان پور

شهدای قیام خونین ۲۹ بهمن تبریز

مسابقه ۴

۱ کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد جرایم رایانه‌ای نادرست است؟
 الف) فضای سنتی شامل کلاهبرداری، جعل و... است.
 ب) جرایم فضای مجازی به ۳ دسته: سنتی، سایبری و رایانه‌ای تقسیم می‌شود.
 ج) توهین در فضای مجازی دارای مجازات نیست.
 د) مجازات جرایم رایانه‌ای به ۲ سال هم می‌رسد.

۲ اساس ملیت یک ملت است. اساس استقلال یک ملت است.
 الف) فرهنگ
 ب) آزادی
 ج) انقلاب
 د) اندیشه

۳ کدام گزینه دارای ویژگی‌های نرم‌افزار کانوا نیست؟
 الف) ساخت پاورپوینت، بروشور
 ب) دارای قالب‌های پست و استوری اینستاگرام
 ج) نصب این نرم‌افزار فقط در لپ‌تاپ امکان دارد.
 د) انواع کارهای گرافیکی و موشن استوری

۴ کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد کتاب "سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آید" درست است؟
 الف) کتاب در سال‌های ۷۴ تا ۷۷، توسط نادر ابراهیمی نگاشته شده است.
 ب) کتاب در قالب داستان و روایت‌گر زندگی امام خمینی (رحمت الله علیه) می‌باشد.
 ج) جلد دوم مربوط به دوران نوجوانی رهبر انقلاب است.
 د) جلد اول فقط در مورد شخصیت امام در دوران کودکی است.

پاسخ سوالات را به صورت یک عدد ۴ رقمی از چپ به راست به سرشماره **۰۹۰۲۰۴۶۵۱۰۱** به همراه نام و نام خانوادگی ارسال بفرمایید.

به برنده مسابقه قاب فرش متبرک تقدیم خواهد شد.

مهلت ارسال پاسخ‌ها تا ۱۰ اسفند

برنده مسابقه ۴۳ مضماری: آقای عباس یوسفی